

مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان

مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان

مدرسه علمیه زهراى اطهر علیها السلام

شهرستان مشهد

مقاله سطح دو (کارشناسی)

بررسی احادیث لادین لمن...

استاد راهنما:

سرکار خانم طاهره آشفته

استاد داور:

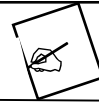
پژوهشگر:

سمیه بردبار

تاریخ دفاع:

تابستان ۱۳۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



چکیده

موضوع این مقاله «بررسی احادیث لادین لمن...» می باشد.

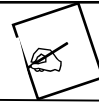
دلیل اهمیت این موضوع در این است، که ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام در این احادیث، کارهایی را یادآور می‌شوند که مسلمین اگر آن کارها را انجام دهند، از ورطه‌ی دینداری و با ایمان بودن و تقوا خارج می‌شوند.

در این پژوهش سعی شده به این احادیث پرداخته شود و بررسی شود که تفاوت دین و ایمان چیست و این دو با هم چه رابطه‌ای دارند؟

دین مجموعه‌ای از معارف نظری و عقیدتی است که احکام و قوانین عملی و دستورات اخلاقی را در ابعاد گوناگون فردی و اجتماعی بیان می‌کند و تفاوتش با ایمان در این است که دین آوردن ظاهری، همان گفتن شهادتین است؛ اما دین آوردن واقعی، همان ایمان است که ثمره‌اش تقوا می‌باشد.

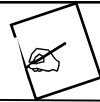
در مرحله‌ی آخر هم احادیث را به فردی و اجتماعی تقسیم می‌کنیم. احادیث فردی احادیثی هستند که مربوط به خود شخص می‌شوند. این احادیث شامل دینداری بدون عقل، دینداری بدون ورع، دینداری بدون صبر و دینداری بدون تقیه می‌باشد که به خود شخص بیش‌ترین ضرر را می‌زند.

احادیث اجتماعی هم احادیثی هستند که مربوط به جامعه و دیگران است، شامل عدم وفای به عهد، امر به معروف و نهی از منکر نکردن، پیروی از امام ستمگر و نامروّتی که ما پیرامون هر کدام از این احادیث توضیحات مهمی ارائه می‌دهیم.



در نهایت به این نتیجه دست پیدا می‌کنیم که شخص، اگر این اعمال ناشایست را انجام دهد، باز هم اسلام دارد، ولی به آن دینداری واقعی دست پیدا نمی‌کند.

کلید واژگان عبارتند از: دین، امام، تقیه، ورع، صبر، عقل، عهد، امر به معروف، نهی از منکر.



فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	مفهوم شناسی
۲	الف) واژه‌ی دین
۲	ب) واژه‌ی تقیه
۲	ج) واژه‌ی «ورع»
۳	د) واژه‌ی «صبر»
۳	ه) واژه‌ی «عقل»
۳	و) واژه‌ی «عهد»
۴	ز) «معروف» و «منکر»
۴	ح) واژه‌ی «امام»
۴	ط) «جائر»
۴	ی) «مروّت»
۵	رابطه‌ی دین با ایمان
۶	۱. آسیب‌های فردی
۶	۱-۱) تقیه نداشتن
۷	۱-۲) ورع نداشتن
۷	۱-۳) صبر نداشتن
۸	۱-۴) عقل نداشتن (دینداری بدون عقل)
۹	۲. آسیب‌های اجتماعی



- ۹ عدم وفای به عهد
- ۹ ۲-۲) امر به معروف و نهی از منکر نکردن
- ۱۰ ۲-۳) پیروی از امام ستمگر
- ۱۱ ۲-۴) نامروّتی
- ۱۳ نتیجه گیری
- ۱۵ پیشنهادات
- ۱۶ فهرست منابع و مآخذ



مقدمه

واژه‌ی «دین» در نظر اصطلاحی به مجموعه‌ای از معارف نظری و عقیدتی گفته می‌شود، که احکام و قوانین عملی و دستورات اخلاقی را در ابعاد گوناگون فردی- اجتماعی و سازگار با فطرت انسانی که از طرف خدای یکتا آمده است را بیان می‌کند.

اما این که دین با ایمان چه رابطه‌ای دارد، از احادیث و آیات گوناگون برای بررسی این رابطه می‌توان استفاده کرد؛ مثلاً در آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی حجرات، اسلام آوردن امری ظاهری است که فقط با گفتن شهادتین حاصل می‌شود، اما ایمان آوردن امری باطنی و درونی است که تقوا بر اساس آن شکل می‌گیرد. هم چنین از تفاوت‌های اسلام و ایمان این است که شخصی که فقط اسلام آورده، ممکن است هدفش غیر الهی باشد و فقط برای انگیزه‌های مادی و دنیوی اسلام آورده باشد. چنان که در صدر اسلام نمونه‌ی چنین افرادی زیاد بوده، که یا برای رسیدن به ثروت و یا برای کسب موقعیت و مقام در جامعه‌ی مسلمین، اسلام ظاهری آورده‌اند.

احادیث لادین لمن... می‌توان به فردی و اجتماعی تقسیم نمود. احادیث فردی که مربوط به خود شخص می‌شوند، شامل تقیه نداشتن، ورع نداشتن، صبر نداشتن و عقل نداشتن است. احادیث اجتماعی لادین لمن... نیز شامل عدم وفای به عهد است، امر به معروف و نهی از منکر نکردن، پیروی از امام ستمگر و نامروّتی است که انجام هر یک از این‌ها به فرد و جامعه آسیب جدی وارد می‌کند.

در این مقاله به اختصار این احادیث مورد بررسی قرار گرفته است.



مفهوم شناسی

الف) واژه‌ی دین

واژه‌ی «دین» در فرهنگ لغات، مترادف با کلماتی هم چون حکم و قضا، رسم و عادت، شریعت و مذهب، هم‌بستگی و... بوده، و در کاربردهای قرآنی نیز به معانی زیادی از جمله جزاء، قانون، شریعت، طاعت و بندگی، تسلیم و انقیاد، اسلام، روش، توحید و خداپرستی آمده است. دین مرکب است از مجموعه معارف نظری و عقیدتی، احکام عملی و دستورات اخلاقی در ابعاد گوناگون فردی و اجتماعی، سازگار با عقل و فطرت انسانی، که از سوی خداوند، توسط پیامبران برای هدایت مادی و معنوی بشر فرستاده شده و در صورت پیاده شدن به طور کامل، سعادت و رستگاری دنیوی و اخروی انسان را تأمین می‌کند. که این دین کامل، همان اسلام است.^۱

ب) واژه‌ی تقیه

تقیه، در لغت از ریشه‌ی «وقا»، به معنی حفظ چیزی از خطر و ضرر است؛ لذا به معنی حفظ جان یا شرف یا آبرو یا مال از خطر دیگری است، از طریق اظهار کردن عقیده یا عملی که بر خلاف مذهب او و موافق با مذهب دیگری است، و در اصطلاح شرعی، عبارت است از اظهار کردن امری برخلاف حکم دین از طریق قول یا فعل، به انگیزه‌ی حفظ جان، مال یا شرف و آبروی خود و دیگری.^۲

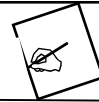
ج) واژه‌ی «ورع»

«ورع» عبارت است از نگه‌داری کامل و حفظ نفس در آخرین مرتبه و در عین حال، هراسان بودن از لغزش یا سخت‌گیری بر نفس است برای تعظیم حق.^۳

^۱ عبدالله، ابراهیم زاده، دین پژوهشی، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۲۳.

^۲ علی، ربانی گلپایگانی، درآمدی بر شیعه شناسی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۱.

^۳ روح الله، خمینی، چهل حدیث، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ص ۴۷۴.



د) واژه‌ی «صبر»

«صبر»، در اصل به معنی مقاومت قلبی و استقامت و شجاعت و دوری از هرگونه ضعف و تزلزل است. چنان که در لغت نامه‌ی المنجد آمده است: «صَبْرًا عَلَى الْأَمْرِ: جَرَأٌ وَ شَجَاعَةٌ وَ تَجَلُّدٌ؛ صبر بر چیزی، به معنی جرأت و شجاعت و ایستادگی و شکست ناپذیری در آن چیز است» و نیز گفته شده: «الصَّبْرُ كُفُّ النَّفْسِ عَنْ هَوَاهَا؛ صبر، یعنی خودداری نفس از هواهای نفسانی».^۱

ه) واژه‌ی «عقل»

«عقل» در لغت به معنی امساک و نگاه‌داری، بند کردن، باز ایستادن و منع چیزی است. در اصطلاح از عقل دو معنی مراد است: اول: قوه‌ای که بالفطره آماده‌ی قبول دانش است. دوم: علمی است که به وسیله‌ی این قوه آن را کسب می‌کند. بنابراین عقل عبارت است از قوه‌ای در انسان که او را قادر به تحصیل دانش، تجربه، داوری و تشخیص مصالح و مفاسد می‌سازد.^۲

و) واژه‌ی «عهد»

واژه‌ی عهد که در فارسی به آن پیمان، قول، وعده و قرارداد گویند، یک نوع قراردادی است که بین دو نفر یا دو گروه، یا چند نفر و چند گروه، یا بین امت و امام، به عنوان بیعت بسته می‌شود که اگر به طور مشروع و صحیح باشد، حتماً باید به آن وفا کرد.^۳

^۱ محمد تقی، عبدوس، بیست و پنج اصل از اصول اخلاقی امامان (علیهم‌السلام)، مترجم: محمد مهدی اشتهااردی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷، ص ۳۲۰.

^۲ Tebyan- znir. ۱۳۸۹/۵/۵

^۳ همان، ص ۳۲۲.



ز) «معروف» و «منکر»

«معروف» عملی است که از راه عقل یا شرع، نیکویی‌اش شناخته شده و «منکر» کاری است که نیکویی‌اش انکار شده باشد؛ یا این که مقصود از معروف همان حق است که عقل و شرع بدان فرا می‌خوانند، بر خلاف منکر که عقل و شرع از آن بیزارند. معروف نام فراگیر برای هر چیزی است که مصداق اطاعت الهی و نزدیکی به خدا و خدمت و نیکی به مردم شناخته شده باشد.^۱

ح) واژه‌ی «امام»

امام در لغت از ماده‌ی «ام» می‌باشد، و به معانی مختلفی آمده است، از جمله: کسی که به او اقتدا می‌شود، پیشوا، معلم، جاده و راه و مانند آن. در اصطلاح، به کسی یا چیزی می‌گویند که با فرمان الهی، راهنما و هدایت‌گر ما به سمت خداست؛ خواه انسان باشد یا کتاب.^۲

ط) «جائر»

«جائر» در لغت به معنی مستبد و ستمگر است، و در فقه، به عمال حکومت‌های غیر قانونی گفته می‌شود.^۳

ی) «مروّت»

مروّت به معنای مردمی و مأخوذ از «مرء» می‌باشد، که به معنای مرد است،^۴ و یک سلسله از آداب نفسانی است که انسان را وادار می‌کند که همواره در مرزهای محاسن اخلاق باشد و عادات

^۱ محمد، سروش، امر به معروف و نهی از منکر، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۳، ص ۳۶.

^۲ Entezar.ahlolbayt.com

^۳ www.ghanoonbaz.com

^۴ حسین، حقانی، پژوهشی در ارزش‌های اخلاقی از دیدگاه قرآن و احادیث، تهران، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۳.



زیبا را عمل کند، و گاهی معنای مروّت تحقق پیدا می‌کند به این که نفس انسانی از مباحات نیز دوری کند، مثل خوردن در کوچه و بازار و جایی که فاعل آن نزد عرف مورد نکوهش واقع شود.^۱

رابطه‌ی دین با ایمان

همان طور که گفته شد، کامل‌ترین و جامع‌ترین دین، دین اسلام است؛ زیرا طبق تعریف جامع دین، تنها اسلام است که تمام ویژگی‌ها را دارا می‌باشد. حال می‌خواهیم بررسی کنیم که آیا اسلام همان ایمان است یا نه؟ و این که ما در احادیث ائمه علیهم‌السلام می‌خوانیم مثلاً دین ندارد کسی که تقیه ندارد، منظور این است که شخص کلاً اسلام نیاورده و جزء مسلمین به حساب نمی‌آید، یا منظور این است که شخص به مرتبه‌ی بالای مسلمان بودن یا همان ایمان نرسیده است؟^۲

آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی حجرات به طور واضح بیان می‌کند که اسلام آوردن با ایمان داشتن تفاوت می‌کند. خداوند به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این گونه خطاب می‌کند که:

﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

«بادیه نشینان گفتند: ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده‌اید، ولی بگویید اسلام آوردیم، و ایمان هنوز به دل‌های شما راه نیافته است و اگر خدا و پیامبر او را فرمان برید، چیزی از پاداش کارهای شما را نمی‌کاهد. همانا خداوند آمرزنده‌ی مهربان است.»

پس به این نتیجه می‌رسیم که تفاوت اسلام و ایمان در این است که اسلام، شکل ظاهری دین است و با گفتن شهادتین حاصل می‌شود و کسی که شهادتین بگوید، قطعاً مسلمان شده است؛ ولی ایمان یک امر باطنی است که بر اساس آن تقوا شکل می‌گیرد.^۳

^۱ حسین، حقانی، پژوهشی در ارزش‌های اخلاقی از دیدگاه قرآن و احادیث، ص ۶.

^۲ خودم.

^۳ خودم.



هم چنین از تفاوت‌های اسلام و ایمان این است که در اسلام آوردن، ممکن است انگیزه‌های مختلفی در میان باشد؛ مثل انگیزه‌های مادی و منافع شخصی و حفظ جان، که در صدر اسلام افرادی را می‌بینیم که به خاطر همین انگیزه‌ها مسلمان شده‌اند. اما ایمان آوردن و تقوا داشتن، فقط از انگیزه‌های معنوی سرچشمه می‌گیرد. پیامبر اسلام ﷺ در این زمینه می‌فرمایند:

«اسلامٌ عَلَانِيَةٌ وَ الْإِيْمَانُ فِي الْقَلْبِ؛ اسلام، امر آشکاری است، ولی جای ایمان، دل است».

با توجه به تفاوت ایمان و اسلام به بررسی آسیب‌های فردی و اجتماعی که در احادیث لادین لمن... بیان شده است، می‌پردازیم:

۱. آسیب‌های فردی

۱-۱) تقیّه نداشتن

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«ای ابوعمر: نه دهم دین تقیّه است و آن که تقیّه ندارد، دین ندارد و در هر کار، تقیّه راه دارد، جز در آشامیدن نبیذ و مسح کشیدن بر موزه».^۲

در این روایت، امام صادق علیه السلام به چند نکته اشاره می‌کنند: اولاً این که بیش‌ترین جایگاه در دین را تقیّه دارد؛ ثانیاً هرکس تقیّه نداشته باشد، دین ندارد؛ ثالثاً مشخص می‌کنند که حد و حدود تقیّه چیست. لذا تقیّه نداشتن در موارد لازم، یک آسیب فردی است که شخص از با ایمان بودن خارج شده و هم ممکن است جان یا مال یا آبرویش به خطر بیفتد.^۳

^۱ محمد تقی، مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، تهران، اسلامیه، بی تا، ج ۶۵، ص ۲۳۹.

^۲ محمد بن علی بن بابویه، قمی، الخصال، مترجم: سید احمد فهری زنجانی، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۷.

^۳ خودم.



۲-۱) ورع نداشتن

امام رضا علیه السلام می فرمایند:

«لَادِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ وَلَا إِيْمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ»^۱.

ابن اثیر در نمایه، در بیان معنی ورع می نویسد: در حدیث می خوانیم ملاک دین، ورع است؛ یعنی خودداری و اجتناب از محرمات الهی، و بعد از آن عاریه گرفته، برای باز ایستادن و خودداری از مباح و حلال. بنابر معنای ابن اثیر، ورع حالتی است بالاتر از تقوا، چون تقوا، پرهیز از محرمات است؛ اما ورع در خودداری از مباحت هم به کار می رود.^۲

مرحوم مجلسی هم از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «اصل ورع عبارت است از محاسبه‌ی نفس، صدق در گفتار و صفا و پاکی در داد و ستد، خارج شدن از هر شبهه‌ای و دور انداختن هر عیب و یا ریه‌ای، دوری از هر چه برای انسان فایده ندارد، ترک گشودن درهایی که نمی داند چگونه ببندد، مجالست نکردن با کسی که پذیرفتن امر واضح برایش مشکل است، مصاحبت نکردن با کسی که امر دین را سبک می شمارد و ترک عملی که قلبش تحمل آن را ندارد و گوینده آن را نمی فهمد و ترک پیوند با کسی که از خدا بریده است».^۳

۳-۱) صبر نداشتن

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ لَا دِينَ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ»^۴.

در این حدیث امام مردم را دعوت به صبر کرده، می فرمایند: دین ندارد، کسی که صبر ندارد.

^۱ محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، ج ۵۲، ص ۲۳۱.

^۲ محمد علی، خزائلی، متن شرح و تفسیر دعای ابو حمزه ثمالی، قم، ابتکار دانش، ۱۳۸۷، ص ۴۳۵.

^۳ همان، ص ۴۳۶.

^۴ تاج الدین، شعیری، جامع الاخبار، قم، رضی، ۱۴۰۵ ه.ق، ص ۱۱۶.



در روایات اسلامی آمده است که اگر انسان در مقابل مصیبت شکور و صبور باشد، خداوند به او پاداش می‌دهد و اگر ناشکری و بی‌تابی و جزع کند، اجر و پاداشی نخواهد داشت. چنان که در حکمت ۲۹۱، امام علیه السلام به هنگام تسلیت به اشعث بن قیس درباره‌ی مرگ فرزندش فرمودند: «إِنْ صَبَرْتَ جَرَى عَلَيْكَ الْقَدَرُ وَأَنْتَ مَأْجُورٌ وَإِنْ جَزَعْتَ جَرَى عَلَيْكَ الْقَدَرُ وَأَنْتَ مَأْزُورٌ» اگر صبر کنی، مقدرات انجام می‌شود و تو اجر و پاداش خواهی داشت و اگر بی‌تابی کنی، باز هم مقدرات انجام می‌شود و تو گناهکار خواهی بود».

۴-۱) عقل نداشتن (دینداری بدون عقل)

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

«قَوَامُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ وَ لَادِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ».

«قوام شخص، عقلش است و دین ندارد، کسی که عقل برایش نیست».^۱

در این حدیث، رسول خدا صلی الله علیه و آله قوام هر شخص را - مرد باشد یا زن - عقلش دانسته‌اند.

امام صادق علیه السلام نیز در باب اهمیت عقل، خطاب به هشام می‌فرماید: «يَا هُشَامُ! إِنَّ اللَّهَ عَلَى

النَّاسِ حُجَّتَيْنِ: حُجَّةٌ ظَاهِرَةٌ وَ حُجَّةٌ بَاطِنَةٌ. فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَئِمَّةُ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ».^۲

در این حدیث، حضرت صادق علیه السلام از دو حجت برای مردم نام می‌برد که خداوند برایشان

قرار داده: یکی حجت ظاهری است و دیگری حجت باطنی. حجت ظاهری که پیامبران و رسولان و

ائمه علیهم السلام هستند که در بین مردم ظاهرند و دین خدا را بر مردم عرضه می‌کنند و بر مردم است که

از آنان پیروی کنند و حجت باطنی که درون جان‌های مردم است و عقل‌های آن‌هاست. هرکس

^۱ محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، ج ۵۲، ص ۲۳۱.

^۲ سید علی نقی، فیض الاسلام، بنادر البحار (ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار)، تهران، انتشارات فقیه، بی تا، ص ۱۱.

^۳ همان.



از مردم که از این دو حجت در کنار یکدیگر استفاده کند، راه سعادت را پیموده، ولی اگر فقط یکی از این دو حجت را قبول داشته باشد، به بیراهه رفته و عمرش را به بیهودگی گذرانده است.^۱

۲. آسیب‌های اجتماعی

عدم وفای به عهد

رسول خدا ﷺ می‌فرمایند:

«لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ».^۲

«کسی که امین نیست، ایمان ندارد و کسی که به پیمانش وفا نمی‌کند، دین ندارد».

امام صادق علیه السلام هم می‌فرمایند:

«ثَلَاثَةٌ لَا عُذْرَ لِحَدِّ فِيهَا: أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ

کانا او فاجرین؛ سه کار است که برای هیچ کس در مورد آن عذر و بهانه‌ای پذیرفته نخواهد شد:

دادن امانت به صاحبش خواه نیکوکار باشد یا بدکار، وفای به عهد خواه آن عهد با نیکوکاری باشد

یا بدکار، نیکی به پدر و مادر خواه آن‌ها نیکوکار باشند یا بدکار».^۳

۲-۲) امر به معروف و نهی از منکر نکردن

امر به معروف و نهی از منکر، از واجبات دینی ما مسلمان‌هاست و از فروعات دین محسوب

می‌شود. ابوشبیه الزهدی از امام باقر یا صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند:

«لَا دِينَ لِمَنْ لَا يَدِينُ اللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ».

^۱ محمدتقی، فلسفی، الحدیث، تهران، دفتر نشر اسلامی، ۱۳۶۸، جلد ۲، ص ۳۰۲.

^۲ بهاء الدین، خرمشاهی و مسعود انصاری، پیام پیامبر ﷺ، تهران، منفرد، ۱۳۷۶، ص ۳۴۶.

^۳ محمد تقی، عبدوس، بیست و پنج اصل از اصول اخلاقی امامان علیهم السلام، ص ۲۲۸.



«کسی که با امر به معروف و نهی از منکر به دین خدا معتقد نمی‌شود، دین ندارد»^۱.

در بینش اسلامی، یک فرد مسلمان باید پا به پای اصلاح نفس خود، در جهت اصلاح دیگران نیز بکوشد. بی‌توجهی نسبت به اعمال و سرنوشت دیگران، در واقع بی‌اعتنایی به سرنوشت خویشتن است و اگر فساد، گناه، فحشا، منکر و انحراف در جامعه شیوع یابد، آثار نامطلوب آن دامنگیر همه‌ی افراد خواهد شد و حتی مؤمنان و پارسایان نیز از شعله‌های آن در امان نخواهند ماند.^۲

۲-۳) پیروی از امام ستمگر

«فَاسْتَوَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسًا وَاقْبَلَ عَلَى كَالْمُغْضَبِ. ثُمَّ قَالَ: لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ بِوِلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَلَا عَتَبَ عَلَى لَنْ دَانَ بِوِلَايَةِ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ. قُلْتُ: لَا دِينَ لَوْلَايِكَ وَلَا عَتَبَ عَلَى هَؤُلَاءِ. ثُمَّ قَالَ: أَلَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ مِّنَ الظُّلُمَاتِ الذُّنُوبِ إِلَى النُّورِ التَّوْبَةِ أَوِ الْمَغْفِرَةِ لَوْلَايَتِهِمْ كُلُّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ وَقَالَ ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاءَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ﴾»^۳.

امام علی (علیه السلام) راست نشست و رو به من آورده مانند شخص خشمگین فرمود: کسی که پیرو امام ستمگر باشد، دین ندارد و با خدا راهی ندارد و ملامت و سرزنشی نیست، بر کسی که پیرو امام عادل باشد که از جانب خدا معین شده باشد. از روی تعجب گفتم: آقا آن‌ها دین ندارند و این‌ها را جای سرزنش نیست؟ فرمود: آری! مگر نشنیده‌ای این آیه را که «خدا ولی کسانی است که ایمان آورده‌اند، آن‌ها را از تاریکی‌های گناه، به نور توبه و مغفرت می‌کشاند، به واسطه‌ی امام عادل که از

^۱ علیرضا، صابری یزدی و محمد رضا انصاری محلاتی، الحکم الزاهره، مترجم: انصاری، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۳۶۲.

^۲ محمد، سروش، امر به معروف و نهی از منکر، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۳، ص ۱۴.

^۳ محمد تقی، مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الاثمه الاطهار (علیه السلام)، ج ۲۳، ص ۳۲۳.



جانب خداست و فرموده: کسانی که کافرنند، دوست آن‌ها طاغوت است که خارج می‌کند آن‌ها را از نور به جانب تاریکی‌ها».

در طول تاریخ، همواره کسانی بوده‌اند که از حاکمان ستمگر پیروی می‌کردند و ملازم و همراه آن‌ها بودند و امامان معصوم علیهم‌السلام را که امامان عادل هستند، کنار می‌زدند و سعی داشتند آنان را از اداره‌ی امور حکومتی کنار بزنند. اما اگر در هر حکومتی، از آن امامی تبعیت شود که عادل است و مورد تأیید و رضای خداست، افراد آن جامعه هم به سوی او کشیده می‌شوند و راه عدالت و سعادت را پیش می‌گیرند. هم چنان که خداوند خود وعده داده است، که ولیّ کسانی است که ایمان به او دارند و آن‌ها را به واسطه‌ی امام عادل، از گمراهی به نور می‌کشاند.^۱

۲-۴) نامروّتی

امام علیه‌السلام می‌فرمایند:

«یا هشام! لادین لمن لامرؤة له و لامرؤة لمن لاعقل له».^۲

«ای هشام! کسی که مردانگی ندارد، دین ندارد و کسی که عقل ندارد، مردانگی ندارد».

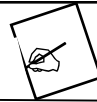
ابن قتاده قمی می‌گوید: حضور امام ششم علیه‌السلام درباره‌ی فتوّت و جوانمردی مذاکره کردیم. حضرت فرمود: آیا گمان می‌کنید که جوانمردی با عربده نمودن و کارهای زشت انجام دادن است؛ که جوانمردی یعنی سفره‌ی گسترده و بخشش بی‌دریغ و چهره‌ی باز و گشاده و خودداری از آزار مردم. اما این نحو سبک بازی‌ها، پلید و نابه‌کاری است. سپس فرمود: مردانگی چیست؟ عرضه داشتیم: نمی‌دانیم. فرمود: به خدا قسم! مردانگی این است که سفره‌ی گسترده‌ی انسان در خانه‌اش باشد.^۳

^۱ خودم.

^۲ محمد، کلینی، الکافی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۹.

^۳ محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، مترجم: ابوالحسن موسوی همدانی، تهران، کتابخانه مسجد حضرت ولی

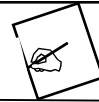
عصر علیه‌السلام، ۱۳۶۳، ج ۱۵، ص ۶.



از دیدگاه پیامبر اسلام ﷺ و قرآن مجید ریشه‌ی اصلی مرّوت، همان دوری از گناه و زشتی و پستی و متصف بودن به صفات نیک الهی و معنوی می‌باشد.^۱ بدیهی است کسانی که چنین حالت روحی مصونیت از گناه و ارتکاب نیکو را داشته باشند، در زندگی دنیایی خویش نیز انسان معتدل در تمام شئون زندگی خود بوده، حال اعتدال را در هر حال حفظ می‌کنند. در دین خود عفاف و در معیشت خود، حسن تقدیر و در برابر مصایب نیز صبر و شکیبایی از خود بروز می‌دهند.^۲

^۱ محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، مترجم: ابوالحسن موسوی همدانی، ج ۱۵، ص ۸.

^۲ همان، ص ۹.



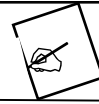
نتیجه گیری

در مورد بررسی احادیث لادین لمن... به این مطلب دست پیدا می‌کنیم که شخص مسلمان با انجام دادن یا ترک کردن چه کارهایی، از محدوده‌ی دین و دینداری خارج می‌گردد. توضیح بیش‌تر این که با انجام دادن یا ترک کردن چه کارهایی به او دیندار واقعی گفته می‌شود.

به این نتیجه رسیدیم که آسیب‌های فردی، نظیر تقیّه نداشتن، ورع نداشتن، صبر نداشتن و دینداری بدون عقل، و هم چنین آسیب‌های اجتماعی نظیر عدم وفای به عهد، امر به معروف و نهی از منکر نکردن، پیروی از امام جائز و نامروّتی باعث می‌شود که به شخصی که اسلام آورده، فقط مسلمان ظاهری گفته شود و او بویی از اسلام واقعی و دینداری واقعی نبرده باشد.

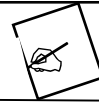
اگر هر کدام از این موارد و این آسیب‌ها را شخص مسلمان مبتلا شود، به خودش، خانواده و جامعه‌اش ضرر می‌رساند. مثلاً در مورد تقیّه، اگر شخصی در مواردی که نیاز است تقیّه نداشته باشد، ممکن است جان خود، خانواده و خانواده‌اش به خطر بیفتد و یا اگر ورع و تقوا نداشته باشد، به هلاکت کشیده شود.

در مورد آسیب‌های اجتماعی هم همین‌طور است؛ مثلاً عدم وفای به عهد باعث می‌شود، شخص در جامعه‌ای که زندگی می‌کند، به عنوان انسان مورد اعتماد شناخته نشود و مردم به او اعتماد نکنند. هم چنین کسی که امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کند، باعث می‌شود که گناه در



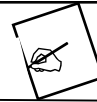
جامعه فراگیر شود و گناه کردن یا انجام ندادن واجب، امری عادی تلقی گردد. پیروی از امام جائز هم همین طور است و سبب می شود ظلم و فساد همه گیر گردد.

پس هر مسلمانی باید باید و نبایدهای دینش را بشناسد، و به بایدها عمل کند و از نبایدها دوری گزیند، تا دیندار واقعی شود.



پیشنهادات

پیشنهاد می‌شود که در رابطه با موضوع احادیث لادین لمن... تحقیقات بیش‌تری صورت گیرد، چون کار زیادی دارد. احادیث لادین لمن... چون اعمال و کارهای انسان را بررسی می‌کند و به مسلمانان می‌آموزد، که چه رفتارهایی از او سبب دخولش در جمع دینداران، و چه رفتارهایی از او سبب دخولش در جمع بی‌دینان می‌شود، اهمیت زیادی دارد و باید دقیقاً بررسی گردد.



فهرست منابع و مآخذ

* قرآن کریم

- (۱) ابراهیم زاده، عبدالله، دین پژوهشی، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
- (۲) حقانی، حسین، پژوهشی در ارزش‌های اخلاقی از دیدگاه قرآن و احادیث، تهران، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۳.
- (۳) خرمشاهی و مسعود انصاری، بهاء الدین، پیام پیامبر ﷺ، تهران، منفرد، ۱۳۷۶.
- (۴) خزائلی، محمد علی، متن شرح و تفسیر دعای ابوحمزه ثمالی، قم، ابتکار دانش، ۱۳۸۷.
- (۵) خمینی، روح الله، چهل حدیث، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ع.ق.
- (۶) ربانی گلپایگانی، علی، درآمدی بر شیعه شناسی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵.
- (۷) سروش، محمد، امر به معروف و نهی از منکر، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۳.
- (۸) شعیدی، تاج الدین، جامع الاخبار، قم، رضی، ۱۴۰۵ ه.ق.



۹) صابری یزدی و محمد رضا انصاری محلاتی، علیرضا، **الحکم الزاهره**، مترجم: انصاری، قم،

مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

۱۰) عبدوس، محمد تقی، **بیست و پنج اصل از اصول اخلاقی امامان علیهم السلام**، مترجم: محمد

مهدی اشتهاودی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.

۱۱) فیض الاسلام، سید علی نقی، **بنادر البحار (ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار**

الانوار)، تهران، انتشارات فقیه، بی تا.

۱۲) قمی، محمد بن علی بن بابویه، **الخصال**، مترجم: سید احمد فهری زنجانی، تهران،

انتشارات علمیه اسلامی، ۱۳۷۰.

۱۳) کلینی، محمد، **الكافی**، تهران، اسلامی، ۱۳۶۲.

۱۴) مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، مترجم: ابوالحسن موسوی همدانی، تهران، کتابخانه

مسجد حضرت ولی عصر علیهم السلام، ۱۳۶۳.

۱۵) ... ، ... ، **بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار علیهم السلام**، تهران، اسلامی، بی تا.

«فهرست سایت»

۱. Tebyan- znir، ۱۳۸۹/۵/۵.

۲. www.ghanoonbaz.com

۳. www.Entezar.ahlolbayt.com